

۱- در قرن‌های ۱۳ تا ۱۵ میلادی، فلسفه‌ی اروپا تحت تأثیر اندیشه‌های و بود.

« پاسخ »

در قرن‌های ۱۳ تا ۱۵ میلادی، فلسفه‌ی اروپا تحت تأثیر اندیشه‌های ابن‌سینا و ابن‌رشد بود.

۲- نظریه‌ی مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا رواج داد.

« پاسخ »

نظریه‌ی مغایرت وجود و ماهیت را توماس آکوئیناس در اروپا رواج داد.

۳- برهان ابن‌سینا برای اثبات وجود خدا بر پایه‌ی اصل قرار دارد.

« پاسخ »

برهان وجوب و امکان ابن‌سینا برای اثبات وجود خدا بر پایه‌ی اصل مغایرت وجود و ماهیت قرار دارد.

۴- برای اولین بار، میان وجود و ماهیت اشیا تفکیک قائل شد.

« پاسخ »

برای اولین بار، ارسطو میان وجود و ماهیت اشیا تفکیک قائل شد.

۵- حمل جزئی از ماهیت بر ماهیت محسوب می‌شود.

« پاسخ »

حمل جزئی از ماهیت بر ماهیت ضروری محسوب می‌شود.

۶- حمل نیازمند دلیل است.

« پاسخ »

حمل وجود بر ماهیت نیازمند دلیل است.

۷- وجه مشترک همه‌ی موجودات و وجه مختلف آن‌ها نام دارد.

« پاسخ »

وجه مشترک همه‌ی موجودات هستی و وجه مختلف آن‌ها چیستی نام دارد.

۸- تفکیک وجود و ماهیت در اتفاق می افتد.

« پاسخ »

تفکیک وجود و ماهیت در ذهن اتفاق می افتد.

۹- رفتار طبیعی ما در زندگی نشان می دهد که هست.

« پاسخ »

رفتار طبیعی ما در زندگی نشان می دهد که واقعیت هست.

۱۰- تفاوت حمل اولی ذاتی و شایع صناعی را با مثال توضیح دهید.

« پاسخ »

حمل اولی ذاتی، حملی ضروری است و دلیل نمی خواهد؛ اما حمل شایع صناعی غیرضروری و نیازمند دلیل است.

- ۱۱- مشخص کنید که در کدام قضایا حمل محمول بر موضوع ضروری است.
- ۱- انسان زیبا است.
 - ۲- مادر مهربان است.
 - ۳- پرنده تخم گذار است.
 - ۴- آب هست.
 - ۵- در زمین حیات وجود دارد.

« پاسخ »

حمل محمول بر موضوع وقتی ضروری است که محمول همان موضوع یا جزئی از مفهوم موضوع باشد. از طرف دیگر، تحلیل موضوع نشان خواهد داد که آیا محمول در تعریف موضوع می آید یا نه. اگر محمول جزء مفاهیمی باشد که در تعریف موضوع استفاده می شود، جزء مفاهیم درونی موضوع است و بنابراین، حمل آن بر موضوع ضروری می باشد. بر این اساس در مورد ۲ حمل موضوع بر محمول ضروری و در سایر موارد حمل ضروری نیست.

- ۱۲- مشخص کنید که در کدام قضایا حمل محمول بر موضوع ضروری است.
- ۱- مربع شکل است.
 - ۲- انسان جاندار است.
 - ۳- این خانه بزرگ است.
 - ۴- زمین دارای حیات است.
 - ۵- خرگوش پستاندار است.

« پاسخ »

حمل محمول بر موضوع وقتی ضروری است که محمول همان موضوع یا جزئی از مفهوم موضوع باشد. از طرف دیگر، تحلیل موضوع نشان خواهد داد که آیا محمول در تعریف موضوع می آید یا نه. اگر محمول جزء مفاهیمی باشد که در تعریف موضوع استفاده می شود، جزء مفاهیم درونی موضوع است و بنابراین، حمل آن بر موضوع ضروری می باشد. بر این اساس در موارد ۱، ۲ و ۵ حمل موضوع بر محمول ضروری و در سایر موارد حمل ضروری نیست.

۱۳- آیا در قضیه‌ی «مثلث سه ضلعی است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟

« پاسخ »

۱۴- به گزاره‌های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام‌یک از محمول‌ها به موضوع‌ها نیازمند دلیل است و چرا؟

- ۱- انسان حیوان است.
- ۲- انسان شیر است.
- ۳- انسان مخلوق است.
- ۴- انسان ناطق است.
- ۵- انسان موجود است.

« پاسخ »

۱۵- علی و محمد در حال گفت‌گو بودند، از دور حیوانی را دیدند علی گفت آن حیوان «شیر» است ولی محمد گفت آن

حیوان «پلنگ» است، وقتی حیوان نزدیک شد دیدند نه شیر است و نه پلنگ، بلکه ببر است.
به نظر شما چه نتیجه‌ای می‌توان در نسبت بین چیستی و هستی حیوان گرفت؟

« پاسخ »

۱۶- به گزاره‌های زیر توجه کنید و بگویید ترتیب آن‌ها چگونه باید باشد و چرا؟

- ۱- من می‌توانم اشیاء را بشناسم.
- ۲- من هستم.
- ۳- اشیاء هستند.

« پاسخ »

۱۷- با توجه به نظرات ابن سینا که در زیر می‌خوانید به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

- اطراف ما اشیاء فراوانی هستند که هم «چیستی» آنها را تا حدود زیادی می‌شناسیم و هم از «هستی»شان اطلاع داریم.
- برخی امور هستند که «چیستی»شان برای ما روش است و حتی در علوم هم کاربرد دارند اما نمی‌دانیم به همان دقتی که آنها را تعریف می‌کنیم، «وجود» دارند یا نه.
- برخی امور هستند که از «هستی»شان خبر داریم اما هنوز درباره‌ی «چیستی» آنها نظر روشنی نداریم.
- «چیستی»های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون «وجود» ندارند.

۱) آیا چهار گزاره‌ی طرح شده، با بیان ابن سینا هماهنگ‌اند؟

۲) کدام گزاره نظر ابن سینا را بیش‌تر تأیید می‌کند؟

« پاسخ »

۱۸- اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» یا جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله‌ای پیش می‌آمد؟ پاسخ مثبت یا منفی خود را توضیح دهید.

« پاسخ »

۱۹- اطراف ما اشیاء فراوانی هستند که هم «چیستی» آنها را تا حدود زیادی می‌شناسیم و هم از «هستی»شان اطلاع داریم؛ مانند:

برخی امور هستند که «چیستی»شان برای ما روش است و حتی در علوم هم کاربرد دارند اما نمی‌دانیم به همان دقتی که آنها را تعریف می‌کنیم، «وجود» دارند یا نه؛ مانند:

برخی امور هستند که از «هستی»شان خبر داریم اما هنوز درباره‌ی «چیستی» آنها نظر روشنی نداریم؛ مانند:
«چیستی»های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون «وجود» ندارند؛ مانند:

« پاسخ »

۲۰- رفتار طبیعی و معمولی فوق که همه‌ی ما انسان‌ها بدون استثنا انجام می‌دهیم، در بردارنده‌ی چه پیام‌های فلسفی است؟

« پاسخ »

۲۱- تفکرات کدام دو فیلسوف، تعارض بیش‌تری با هم دارند؟

- (۱) ابن‌سینا و فرانسیس بیکن
(۲) ابن‌رشد و ارسطو
(۳) ابن‌رشد و آکوئیناس
(۴) ابن‌سینا و ارسطو

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. فرانسیس بیکن بانی فلسفه‌ی تجربه‌گراست و برخلاف امثال راجر بیکن، توماس آکوئیناس و آلبرت کیپر که تحت تأثیر اندیشه‌های ابن‌رشد و ابن‌سینا بودند، با فلسفه‌ی این فیلسوفان مسلمان، اختلافات عظیم دارد.

تذکر: ابن‌رشد و ابن‌سینا و فارابی، به نوعی فیلسوفان ارسطویی محسوب می‌شوند.

۲۲- در کدام حالت، حمل محمول بر موضوع ضروری نیست؟

- (۱) حمل حیوان بر فیل
(۲) تصدیق وجود خارجی فیل
(۳) تایید جاندار بودن گربه
(۴) حمل جزئی از ماهیت بر ماهیت

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. حمل وجود بر ماهیت ضروری نیست و نیازمند دلیل است؛ اما حمل ماهیت یا جزئی از ماهیت یک مفهوم بر آن مفهوم، ضروری است.

۲۳- ذهن انسان با اتصال دو مفهوم «وجود» و «ماهیت» در قالب یک قضیه‌ی منطقی، به چه نتیجه‌ای می‌رسد؟

- (۱) آن دو مفهوم ذهنی را از هم جدا می‌کند.
(۲) واقعیت را موضوع شناسایی خود قرار می‌دهد.
(۳) وجود خارجی آن ماهیت را تصدیق می‌کند.
(۴) آن دو مفهوم را مفهومی واحد در نظر می‌گیرد.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. وقتی ذهن در قالب یک قضیه‌ی منطقی، وجود و ماهیت را به هم متصل می‌کند، ماهیت را موضوع و وجود را محمول قرار می‌دهد و به وجود آن ماهیت اذعان می‌کند.

۲۴- با توجه به این‌که فهم ما از قضیه‌ی «انسان، انسان است.» با قضیه‌ی «انسان، موجود است.» یکسان نیست، کدام

نتیجه‌گیری فلسفی صحیح است؟

- (۱) مغایرت وجود با ماهیت در خارج
(۲) تقدم وجود بر ماهیت در خارج
(۳) تلازم وجود و ماهیت در ذهن
(۴) زیادت وجود در ماهیت در ذهن

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تفاوت حمل در این دو قضیه نشان می‌دهد برای حمل وجود بر ماهیت، نیازمند دلیل هستیم. پس این دو مفهوم در ذهن از هم متفاوت‌اند و اصطلاحاً وجود بر ماهیت زیادت دارد.

- ۲۵- اتصال دو بخش ماهیت و وجود یک مفهوم در ذهن برابر است با
- (۱) اذعان به شناخت ماهیت آن مفهوم
 - (۲) عینیت وجود و ماهیت شیء در واقعیت
 - (۳) انکار مغایرت وجود و ماهیت آن مفهوم
 - (۴) بدیهی بودن اصل مغایرت وجود و ماهیت

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. وقتی وجود و ماهیت یک مفهوم را در ذهن به هم اتصال می‌دهیم؛ یعنی قضیه ای می‌سازیم که موضوع آن، ماهیت و محمول آن، وجود است. مثل این که بگوییم «قلم وجود دارد.» در این حالت، گرچه میان وجود و ماهیت شیء در ذهن مغایرت ایجاد شد؛ اما اعتراف کرده‌ایم که وجود و ماهیت در واقعیت با هم یکی هستند.

- ۲۶- اگر کسی به «عینیت وجود و ماهیت» اعتقاد داشته باشد، کدام گزینه درست خواهد بود؟

- (۱) باید از قضیه‌ی «درخت موجود نیست» بفهمد که «درخت گیاه نیست».
- (۲) در اشاره به واقعیت‌های خارجی، از محمول یکسانی استفاده خواهد کرد.
- (۳) نمی‌تواند از قضیه‌ی «گل سرخ موجود است» به ماهیت گل سرخ پی برد.
- (۴) باید از قضیه‌ی «سرو سرو است.» بی‌درنگ، بفهمد که «سرو هست».

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اگر میان وجود و ماهیت عینیت در کار می‌بود، باید از فهم ماهیت یک شیء به وجود آن شیء پی می‌بردیم؛ یعنی اگر می‌فهمیدیم درخت سرو چیست، بلافاصله می‌فهمیم که درخت سرو وجود دارد.

- ۲۷- با توجه به این که «تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن ماهیت کافی نیست.» کدام مسئله و اصل فلسفی استفاده می‌شود؟

- (۱) اشتراک لفظی مفهوم ماهیت
- (۲) وجود واقعیت مستقل از ذهن
- (۳) زیادت وجود بر ماهیت در ذهن
- (۴) مغایرت وجود با ماهیت در خارج

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اگر با تصور هر ماهیتی می‌توانستیم به وجود آن ماهیت پی ببریم، پس وجود و ماهیت یکی می‌شدند و اصطلاحاً، به عینیت وجود و ماهیت می‌رسیدیم؛ اما می‌دانیم که تصور و فهم ماهیت یک شیء برای اثبات وجود آن شیء کفایت نمی‌کند. پس میان وجود و ماهیت مغایرت ذهنی وجود دارد که به آن زیادت وجود بر ماهیت نیز می‌گویند.

۲۸- کدام گزینه درباره‌ی وجود و ماهیت درست است؟

- (۱) اشیاء واقعی در عالم واقعیت، به دو جزء ماهیت و وجود تقسیم می‌شوند.
- (۲) گرچه تصورات ما از اشیای واقعی مختلف است، اما هستی‌شان یکی است.
- (۳) تصور ما از ماهیت شیء درست مانند تصویری است که وجود آن داریم.
- (۴) مغایرت وجود و ماهیت امری عینی است که در واقعیت مشاهده می‌کنیم.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. تصویری که از اشیای واقعی داریم، با هم متفاوتند؛ زیرا ماهیت آن اشیا از یکدیگر متفاوت است. اما هستی این اشیا همواره یکسان و واحد است.
گزینه‌ی ۱: تقسیم وجود و ماهیت تنها در ذهن است نه واقعیت.
گزینه‌ی ۳: تصور ما از وجود شیء با ماهیت شیء متفاوت است.
گزینه‌ی ۴: مغایرت وجود و ماهیت تنها در ذهن است؛ وگرنه واقعیت خارجی یک چیز بیش‌تر نیست.

۲۹- اگر گفتن این که «مربع چهارضلعی است» با گفتن «مربع وجود دارد» هیچ فرقی نداشت، آن‌گاه

- (۱) با شناخت مربع وجودش برای ما آشکار می‌شد.
- (۲) چهارضلعی دانستن مربع، دیگر نیازمند دلیل نبود.
- (۳) موجود بودن مربع، نیازمند ارائه‌ی دلیل می‌شد.
- (۴) در چهارضلعی بودن مربع نیز باید تردید می‌کردیم.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در قضیه‌ی «مربع چهارضلعی است» محمول قضیه درون مفهوم موضوع قضیه قرار دارد؛ زیرا مفهوم «چهارضلعی» جزئی از ماهیت «مربع» است. حال اگر دو قضیه‌ی «مربع چهارضلعی است» و «مربع وجود دارد» هیچ فرقی نداشتند؛ یعنی مفهوم «وجود» نیز باید جزئی از ماهیت «مربع» می‌بود و در این حالت، همین که می‌فهمیدیم مربع چیست، وجودش نیز که از اجزای ماهیت مربع است، برای ما آشکار می‌شد؛ ولی می‌دانیم که وجود و ماهیت اشیا با هم متفاوت و مغایرند.

- گزینه‌ی ۲: چون «چهارضلعی بودن» جزء ماهیت مربع است، پس اصلاً نیازی به ارائه‌ی دلیل ندارد.
- گزینه‌ی ۳: اظهارنظر درباره‌ی وجود هر شیء همواره نیازمند ارائه‌ی دلیل است.
- گزینه‌ی ۴: چون «چهارضلعی بودن» جزء ذات و ماهیت مربع است، نمی‌توان در آن تردید کرد.

۳۰- کدام گزینه می‌تواند دلیلی بر مغایرت وجود و ماهیت باشد؟

- (۱) از تصور ماهیت می‌توانیم به وجودش پی ببریم.
- (۲) وجود هر ماهیتی را باید اثبات کرد.
- (۳) آنچه در عالم واقع می‌بینیم ماهیات‌اند نه وجود.
- (۴) در واقعیت، ما موجودات مواجه‌ایم نه ماهیات.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. درباره‌ی هر مفهوم و ماهیتی که حرف می‌زنیم. اگر بخواهیم محمول وجود را بر آن حمل کنیم. باید «وجودش» را اثبات کنیم. بنابراین، حمل وجود بر ماهیت نیازمند دلیل است و این نشان می‌دهد که این دو مفهوم با هم مغایر و متفاوتند؛ ولی اگر این دو یکی بودند، حمل مفهوم وجود برای ماهیت نیازمند اثبات نبود. به عبارت دیگر، گفتن «انسان موجود است» درست مثل این بود که بگوییم «انسان حیوان ناطق است».

۳۱- با توجه به این که مجرد تصور یک ماهیت کافی برای حمل و اتحاد مفهوم وجود با آن نیست، کدام مسئله‌ی فلسفی را اثبات می‌نماید؟

- (۱) زیادت وجود بر ماهیت در ذهن
(۲) تقدّم ماهیت بر وجود در خارج
(۳) تقدّم وجود بر وجود در ذهن
(۴) مغایرت وجود با ماهیت در عین

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. منظور از تصور یک ماهیت، شناخت ذهنی از ماهیت است. حال چون می‌دانیم تصور ماهیت با تصور وجود شیء متفاوت است؛ پس نتیجه می‌گیریم که وجود و ماهیت در ذهن از هم متمایزند. این اصل فلسفی، مغایرت وجود و ماهیت یا زیادت وجود بر ماهیت نام دارد.

۳۲- محمول واحدی که تمام واقعیات را شامل می‌شود همان است که

- (۱) ماهیت - در ذهن از وجود جداست.
(۲) ماهیت - همان چیستی شیء است.
(۳) وجود - در خارج با ماهیت یکی است.
(۴) وجود - سبب کثرت ماهیات می‌شود.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تمام واقعیات «هستند». یعنی دارای «وجود» اند. بنابراین، محمول واحد تمام واقعیات، «وجود» است. این محمول در عالم واقعیات، از موضوع خود یعنی ماهیت جدا نیست و یکی است.

۳۳- اگر شناخت یک مفهوم، موجب کشف وجود آن مفهوم می‌شد، می‌توانستیم ادعا کنیم

- (۱) وجود و ماهیت فقط در واقعیت یکی هستند.
(۲) وجود و ماهیت مغایرت دارند.
(۳) وجود و ماهیت فقط در ذهن از هم تفکیک می‌شوند.
(۴) وجود و ماهیت عینیت دارند.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. شناخت یک مفهوم یعنی شناخت ماهیت. حال اگر شناخت ماهیت یک مفهوم موجب شناخت وجود آن مفهوم می‌شد. پس وجود جزء ذات و ماهیت مفهوم بود و «وجود» و «ماهیت» عینیت داشتند. در حالی که می‌دانیم این دو مغایر هم‌اند و شناخت ماهیت نیز منجر به شناخت وجود شیء نمی‌شود.

۳۴- حمل وجود بر ماهیت در چه هنگامی اتفاق می‌افتد؟

- (۱) آن‌گاه که در مورد اشیای عالم واقعیت حرف می‌زنیم. (۲) وقتی از واقعیت داشتن یک مفهوم سخن می‌گوییم.
- (۳) وقتی وجود و ماهیت در واقعیت از هم تفکیک شوند. (۴) آن‌گاه که مفهوم امکان وجود در واقعیت داشته باشد.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. وقتی می‌گوییم یک مفهوم واقعی است، در واقع به وجود آن مفهوم در واقعیت اشاره می‌کنیم و این اتفاق با حمل وجود بر ماهیت رخ می‌دهد. برای مثال می‌گوییم «اسب وجود دارد». یعنی مفهوم اسب در واقعیت است.

گزینه ۱: ممکن است از اشیای واقعی صحبت کنیم؛ اما وجود را بر آن‌ها حمل نکنیم. مثلاً وقتی می‌گوییم «زمین کروی است». از مفهوم واقعی «زمین» صحبت کرده‌ایم؛ اما محمول ما وجود نیست.

گزینه ۳: وجود و ماهیت تنها در ذهن از هم تفکیک می‌شوند.

گزینه ۴: خیلی از مفاهیم امکان وجود در عالم خارج را دارند؛ ولی این به معنای حمل «وجود» بر ماهیت نیست.

۳۵- منظور از حمل شایع صناعی چیست؟

- (۱) حمل وجود بر یک ماهیت خاص
- (۲) تفاوت وجود و ماهیت در یک قضیه‌ی واقعی
- (۳) تفاوت مفهومی موضوع و محمول
- (۴) وحدت موضوع و محمول در عالم واقعیت

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در حمل شایع صناعی، محمول از نظر مفهومی با موضوع تفاوت دارد و در واقع، مفهوم محمول با مفهوم موضوع اختلاف دارد. مثل قضایای «این کتاب فارسی است.» یا «خانه زیباست.»

تذکر: حمل در قضایای وجودی مثل «انسان وجود دارد.» نیز از سنخ حمل شایع صناعی است؛ اما حمل شایع صناعی به معنای این نیست که محمول حتماً مفهوم «وجود» باشد.

۳۶- این‌که می‌گوییم هر واقعیت بیرونی دارای دو جنبه‌ی وجود و ماهیت است، مثل این است که بگوییم درخت داخل حیاط

- (۱) به یک معنا، هم هست و هم نیست.
- (۲) هم درخت است و هم نوعی گیاه است.
- (۳) در واقع، هم درخت است و هم هست.
- (۴) هم داخل حیاط است، هم درخت است.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. دو جنبه‌ی مختلف واقعیت بیرونی، در واقع هم به هستی و هم به چیستی آن شیء واقعی اشاره می‌کند. به همین دلیل، وقتی می‌گوییم واقعیت بیرونی دو جنبه‌ی هستی و چیستی دارد. مثل این است که درباره‌ی درخت داخل حیاط بگوییم هم درخت است (اشاره به ماهیت و چیستی آن) و هم هست. (اشاره به وجود آن)

۳۷- کدام گزینه یکی از اصول حکماست؟

- (۱) مغایرت وجود با ماهیت در ذهن
(۲) مغایرت وجود با ماهیت در عین
(۳) زیادت وجود بر ماهیت در عین
(۴) عینیت مفهوم وجود و ماهیت در ذهن

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. اصل مغایرت وجود و ماهیت، یک اصل فلسفی و مورد قبول فیلسوفان است که نام دیگرش، زیادت وجود بر ماهیت است. باید دقت کنیم که منظور از مغایرت این دو مفهوم، مغایرت و تمایز ذهنی است؛ وگرنه شیء خارجی، تنها یک واقعیت واحد است نه دو موجود مختلف که یکی وجود نام داشته باشد و دیگری ماهیت.

۳۸- این که در قضیه‌ی «دماوند موجود است.» تصور ما از موضوع عین تصور ما از محمول آن نیست. کدام مسئله فلسفی را نشان می‌دهد؟

- (۱) اصل وجود واقعیت (۲) اثبات وجود ذهنی (۳) مغایرت عین و ذهن (۴) جدا بودن وجود از ماهیت

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. موضوع این قضیه یک ماهیت و محمولش وجود است. حال وقتی می‌گوییم تصور ما از محمول و موضوع این قضیه با هم متفاوت است، نشان می‌دهد که وجود و ماهیت در ذهن ما از هم جدا هستند.

۳۹- کدام گزینه در مورد مغایرت وجود با ماهیت درست است؟

- (۱) وجود در خارج بر ماهیت اضافه شده است.
(۲) وجود در واقعیت به ماهیت اضافه شده.
(۳) وجود و ماهیت در ذهن مغایر یکدیگرند.
(۴) وجود و ماهیت در خارج دوچیزاند.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. وجود و ماهیت در واقعیت فقط یک چیزند؛ اما در ذهن از هم تفکیک می‌شوند.

۴۰- کدام گزینه درباره‌ی مغایرت وجود و ماهیت نادرست است؟

- (۱) جزء اصول پذیرفته شده‌ی ابن‌سینا و فارابی است.
(۲) وجود واقعیت خارجی را پیش‌فرض گرفته است.
(۳) در مورد عالم ذهن صحبت می‌کند نه واقعیت.
(۴) از دو واقعیت مستقل از یکدیگر صحبت می‌کند.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اصل مغایرت وجود و ماهیت نمی‌گوید که «وجود» و «ماهیت» دو واقعیت مستقل از یکدیگرند، بلکه می‌گوید دو مفهوم ذهنی متفاوت از هم‌اند که در واقعیت یکی هستند.

- ۴۱- وقتی درباره‌ی وجود اشیای مختلف در عالم صحبت می‌کنیم،
 (۱) به یک موضوع واحد، محمول‌های متفاوتی را نسبت می‌دهیم.
 (۲) محمولی واحد را به موضوعات مختلف نسبت می‌دهیم.
 (۳) محمول یکسانی را به موضوعی واحد حمل می‌کنیم.
 (۴) محمول‌ها و موضوعات متفاوتی را به کار می‌گیریم.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. وقتی درباره‌ی وجود اشیای مختلف صحبت می‌کنیم، در واقع می‌گوییم که مثلاً اسب، درخت، انسان و مانند این‌ها وجود دارند. پس محمول ما «وجود» و موضوعات ما ماهیات مختلف است. بنابراین می‌شود گفت که محمول واحد به موضوعات مختلف حمل می‌شود.

- ۴۲- وقتی می‌گوییم «اسب وجود دارد»، «اسب» و «وجود» را باید
 (۱) یک واقعیت واحد بدانیم.
 (۲) دو مفهوم مترادف بگیریم.
 (۳) یک واقعیت واحد بدانیم.
 (۴) دو واقعیت در نظر بدانیم.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. وقتی می‌گوییم اسب وجود دارد، در واقع دو مفهوم مختلف «اسب» و «وجود» را داریم که به یک واقعیت واحد اشاره می‌کنند؛ یعنی ماهیتی داریم (اسب) که آن ماهیت در عالم واقعیت دارای «وجود» است.

- ۴۳- کدام فیلسوف برای اولین بار به تمایز وجود و ماهیت اشاره کرده است؟
 (۱) افلاطون (۲) فارابی (۳) ابن‌سینا (۴) ارسطو

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اولین بار، ارسطو بود که در کتاب «مابعدالطبیعه»، به تمایز میان وجود و ماهیت اشاره کرده است.

- ۴۴- کسی که به مغایرت وجود و ماهیت معتقد باشد، قطعاً
 (۱) وجود و ماهیت را مفاهیم می‌داند نه موجودات
 (۲) واقعیت بیرونی را صرفاً موجود در نظر می‌گیرد.
 (۳) مفاهیم مختلف را در واقعیت، موجود واحد می‌داند.
 (۴) تفکیک وجود و ماهیت را در واقعیت می‌داند.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. اگر کسی به مغایرت وجود و ماهیت معتقد باشد، پس باید این دو را مفاهیمی بداند که تنها واقعیت بیرونی را در ذهن، به دو مفهوم متفاوت تجزیه کرده است. به عبارت دیگر، از نظر چنین فردی، وجود و ماهیت دو جنبه‌ی ذهنی متفاوت یک واقعیت بیرونی هستند.

۴۵- میان مفاهیم ذهنی و آن دسته از واقعیت‌های بیرونی که می‌شناسیم، کدام یک از نسبت‌های چهارگانه‌ی منطقی وجود دارد؟

- (۱) تساوی
(۲) عموم و خصوص من وجه
(۳) عموم و خصوص مطلق
(۴) تباین

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفاهیم ذهنی ممکن است مصداق واقعی و خارجی داشته باشند و ممکن است فاقد مصداق واقعی باشند. اما از طرف دیگر، واقعیت‌های بیرونی که می‌شناسیم، قطعاً در ذهن ما نیز وجود دارند و به عنوان معلومات ذهنی در نظر گرفته می‌شوند؛ پس برخی مفاهیم ذهنی فاقد مصداق واقعی‌اند؛ اما تمامی واقعیت‌های معلوم، دارای مفهوم ذهنی نیز هستند. پس نسبت آن‌ها عموم و خصوص مطلق است.

۴۶- وقتی برای اشاره به هستی دو چیز مختلف، بگوییم آن‌ها هستند، باید دو قضیه بسازیم که باشد.

- (۱) محمولشان متفاوت
(۲) موضوعشان متفاوت
(۳) موضوع و محمولشان یکسان
(۴) موضوع و محمولشان متفاوت

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. وقتی می‌خواهیم بگوییم دو چیز متفاوت مانند «الف» و «ب» هستند، باید بگوییم «الف موجود است.» و «ب موجود است.» پس در این حالت، موضوعات قضیه‌ها متفاوت؛ اما محمولشان یکسان است.

۴۷- وقتی می‌گوییم هستی و چیستی دو جنبه‌ی یک چیزند؛ یعنی هستی و چیستی

- (۱) دو موجود متفاوت‌اند.
(۲) دو بخش یک واقعیت‌اند.
(۳) اجزای موجود بیرونی‌اند.
(۴) دو مفهوم مختلف‌اند.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. هستی و چیستی دو مفهوم مختلف‌اند که به یک واقعیت بیرونی اشاره می‌کنند؛ یعنی این دو مفهوم، دو حیثیت و جنبه‌ی متفاوت یک واقعیت را نشان می‌دهند نه این که دو موجود باشند که تشکیل‌دهنده‌ی یک موجود دیگرند.

۴۸- با دقت و تأمل در قضایایی مانند: «کوه هست.» و «آسمان هست.»، متوجه می‌شویم که:

- (۱) محمول واحدی وجود دارد که در تمامی قضایا، قطعاً بر موضوع آن صدق می‌کند.
(۲) واقعیت‌های جهان هستی، صرف‌نظر از ماهیتی که دارند، وجودی مستقل از آن نیز دارند.
(۳) ما از واقعیات جهان، قضایایی با موضوعات مختلف؛ اما دارای محمول مشترک ساخته‌ایم.
(۴) واقعیت را به شیوه‌ای منطقی در قالب قضایایی قرار می‌دهیم که موضوع و محمول یکسان دارند.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در تمامی قضایایی که به هستی و بودن ماهیات مختلف اشاره می‌کنند، موضوع قضایا مختلف؛ اما محمولشان واحد و مشترک است. این محمول همان مفهوم «وجود» است.

۴۹- وقتی کودکی با دیدن یک فیل از مادرش می پرسد «این چیست»؛ یعنی:

- (۱) از هستی فیل آگاه و از چیستی اش نامطلع است. (۲) با وجود بی اطلاعی از هستی فیل، چیستی اش را پذیرفته.
- (۳) هستی فیل در واقعیت از چیستی اش متفاوت است. (۴) نمی تواند تفاوت میان هستی و چیستی فیل را درک کند.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. وقتی کودک چیزی را می بیند و می پرسد این چیست، در واقع هستی آن را پذیرفته و از آن مطلع است؛ اما ماهیت و چیستی شیء برای او مجهول و ناشناخته است.

۵۰- موضوع برهان «وجوب و امکان» چیست؟

- (۱) خداشناسی (۲) معرفت شناسی (۳) اصل واقعیت (۴) تفاوت هستی و چیستی

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. برهان «وجوب و امکان» توسط ابن سینا در باب اثبات وجود خداوند ارائه شده است. اصل و پایه ی این برهان، نظریه ی مغایرت وجود و ماهیت است.